

Semantic implications of cypress image based on paradigmatic and Syntagmatic relationship and Context of situation

**Dr. Zahra Parsapoor¹
Mohammad Hossin Labbani Motlagh ²**

Abstract

Cypress image is one of the most widely used in Iranian literature and art. This special tree is related to its ancient history, which is rooted in the mythological, religious and mystical texts of the world. The list of symbolic meanings and concepts of images can be found in dictionary of symbols and in many books But often there is no specific criterion in determining which meaning and concept in a particular work is intended. In this essay, we intend to show the role of Context of situation and the role of Syntagmatic and paradigmatic relationship in identifying the semantic meanings of cypress image based on one of the theories in linguistics presented by Saussure. The study of dozens of images, showed that cypress has concepts such as uprightness, purity, immortality, holiness and greenery and resistance in the Syntagmatic relationship with humans, sun and Simorgh, trees and animals. Also, cypress image alone has concepts such as immortality, mourning and death and connection to the sky according to the context of the situation. This multidisciplinary research in the field of linguistics, literature and visual arts has been done by descriptive-analytical method.

Keywords: Situation context, Cypress, succession, Companionship, Art.

¹.(Corresponding Author) Associate Professor of Persian Language and Literature, Literature Research Institute, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran.Iran. zahra.parsapoor@gmail.com

² M.Sc. in Architectural Engineering, majoring in restoration and design in historical contexts, Faculty of Architecture, University of Science and Technology, Tehran, Iran. Labbani.ho@gmail.com

Date of receipt: 2021-04-14, Date of acceptance: 2021-06-02

دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت (مقاله پژوهشی)

دکتر زهرا پارساپور*

محمد حسین لبانی مطلق**

چکیده

نگاره سرو یکی از پرکاربردترین درختان در نگارگری و ادبیات و هنر ایرانی است. این جایگاه وامدار پیشینه بسیار دیرینه و کهنی است که در متون اساطیری، دینی و عرفانی جهان ریشه دارد. معانی و مفاهیم نمادین نگاره‌ها را در فرهنگ‌ها و بسیاری از کتاب‌های موجود در زمینه نمادها می‌توان فهرست‌وار یافت، اما دو مقوله در این میان اغلب نادیده گرفته می‌شود: نخست رابطه همنشینی و جانشینی این نمادها و دوم نقش بافت موقعیت و فرهنگی که این نگاره‌ها در آن قرار دارند. در این تحقیق با رویکرد میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی، ادبیات، و هنرهای تجسمی با روش توصیفی - تحلیلی، برآنیم نقش این مقوله‌ها را در فهم دلالت‌های نمادین سرو در متون ادبی و نقوش موجود در ظروف، فرش، و بناها بررسی کنیم. برای این منظور استفاده از رابطه همنشینی و جانشینی در زبان‌شناسی سوسور، جهت فهم مدلول‌ها و مفاهیم در مورد تک‌نگاره‌ها با توجه به بافت موقعیت را لحاظ نمودیم. بررسی ده‌ها نگاره نشان داد که سرو در رابطه همنشینی با انسان، خورشید، سیمرغ، درختان، حیوانات و مفاهیمی چون راست‌قامتی، پاک‌دامنی، جاودانگی، قداست، سرسبزی و مقاومت را با خود دارد. همچنین نگاره سرو به تنهایی با توجه به موقعیت بافت مفاهیمی چون جاودانگی، سوگواری، مرگ، و اتصال به آسمان را با خود دارد.

کلیدواژه‌ها: بافت موقعیت، سرو، جانشینی، همنشینی، هنر.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده ادبیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

zahra.parsapoor@gmail.com

** کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری گرایش مرمت و طراحی در بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری،

دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. Labbani.ho@gmail.com

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

۶۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده‌ی اول: پارساپور)

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

طبیعت با همه عناصرش در ادبیات و هنر حضور دارد و علاوه بر نقش هنری و زیباشناسانه، معانی و مفاهیم بسیاری را منتقل می‌سازد. نگاره‌های طبیعت موجود در بناهای تاریخی، ظروف، نقاشی‌های مینیاتور، و غیره با مفاهیم و ظرفیت‌های گسترده و نمادین خویش ظاهر می‌شوند. رموزها و معانی نمادین بعضی از عناصر طبیعت در فرهنگ‌ها و بسیاری از کتاب‌های موجود در زمینه نمادها گردآوری شده است، اما تنوع این معانی و مفاهیم نشان می‌دهد که برای فهم متون و نقوش هنری لازم است به دلالت‌های دیگری در متن و پیرامون آن توجه کرد. یکی از عناصر طبیعت که هم در ادبیات و هم در نقوش حضور چشمگیر دارد درخت سرو است. درخت سرو از جمله درختان همیشه‌بهار است که در میان درختانی چون نخل و چنار، معانی نمادین بسیاری در میان ملل و اقوام مختلف یونانی و رومی به خصوص ایرانیان دارد. حضور سرو در فرهنگ ایران باستان و نگاره‌های تخت‌جمشید به چشم می‌خورد و پیشینه آن به آیین مهر بازمی‌گردد. همچنین در گذر زمان سرو در متون ادبی و نیز آثار هنری نقش برجسته خود را همچنان حفظ کرده است. این نگاره گاه به تنهایی و گاه در کنار سایر پدیده‌های طبیعت قرار می‌گیرد و بر معانی و مفاهیم متعددی دلالت می‌کند. در صورتی که به تنهایی ملاحظه شود نقش بافت موقعیت پر رنگ‌تر می‌شود و در صورتی که در کنار سایر نگاره‌ها قرار گیرد نقش بافت درون متنی در کنار بافت موقعیت قابل توجه است. در این پژوهش با بررسی نقش سرو بر روی ده‌ها اثر هنری و تاریخی به یافتن دلالت‌های این نگاره در هر دو حالت مذکور پرداخته‌ایم. همچنین در این راستا تلاش کردیم از آثار ادبی و هنری هم‌زمان برای رسیدن به معانی و مفاهیم سرو استفاده کنیم. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی خواهد بود و تلاش می‌شود برای هر یک از مفاهیم و معانی که برای سرو ذکر می‌شود نمونه‌هایی از آثار ادبی و تصاویر جمع‌آوری شده متعلق به آثار هنری که غالباً مربوط به آرشيو شخصی نویسنده دوم است، ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در بررسی رمز و راز و مفاهیم نمادین عناصر طبیعت در متون ادبی و نگاره‌ها غالباً نقش سه زمینه و بستر موضوعی، مکانی، و زمانی که نشانه یا نگاره در آن قرار می‌گیرد نادیده گرفته می‌شود. لحاظ کردن این سه زمینه، دایره گسترده معانی رمزی را در هر اثر تنگ‌تر و محدودتر می‌سازد اما به عمق و ژرفای آن می‌افزاید. به‌طور کلی ما با دو وضعیت در مورد نگاره‌ها مواجهیم:

الف) نگاره به تنهایی بر روی صفحه و یا وسیله و بنایی نقش بسته است که در این صورت بافت موقعیت یعنی زمینه موضوعی، زمانی، و مکانی؛ معنی و مفهومی خاص به آن می‌بخشد.

ب) نگاره در کنار نگاره و یا نگاره‌های دیگری نشسته است که در این صورت علاوه بر بافت موقعیت رابطه همنشینی نیز در معنی و مفهوم نگاره سرو تاثیرگذار است.

برای فهم دلالت‌های مفهومی نگاره‌ها در مورد دوم می‌توانیم از گسترش بحثی که سوسور درباره محور همنشینی و جانشینی در زبان‌شناسی مطرح کرد، کمک گرفت.

الف) رابطه همنشینی: از دیدگاه سوسور کلمات در زبان به تنهایی بر یک حقیقت واحد دلالت ندارند بلکه ارزش معنایی هر واژه بر روی زنجیره گفتار و در ارتباط با واژه‌های دیگر مشخص می‌شود. «اگر واحدهای یک جمله را بررسی کنیم درمی‌یابیم که هر یک از آنها متعلق به یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر هستند و چنانچه یکی از واحدهای همنشین تغییر یابد و یا حذف بشود در مفهوم پیام نیز تغییر یا خلل ایجاد می‌شود. این محور را محور همنشینی (Syntagmatic axis) می‌گویند و رابطه واحدهایی را که بر روی این محور در کنار هم می‌نشینند رابطه همنشینی (Syntagmatic relationship) می‌نامند (باقری، ۱۳۷۱: ۶۸/۱ - ۶۹) در مورد نگاره‌ها نیز می‌توان گفت زمانی که دو یا چند نگاره در کنار هم می‌نشینند

نوعی رابطه همنشینی میان آنها به وجود می‌آید. در این صورت همین رابطه و ارتباط، مفهوم تک‌تک آنها را روشن می‌سازد و در نهایت پیام کلی در ذهن بیننده شکل می‌گیرد. در واقع دو یا چند نگاره‌ای که در کنار هم قرار می‌گیرند از لحاظ مفهوم و معنا مکمل یکدیگرند و نمی‌توان معنای هر یک را بدون توجه به دیگری تعیین کرد. از سوی دیگر اگر یکی از آن نگاره‌ها تغییر کند و یا حذف شود پیام و یا معنا متفاوت خواهد بود. برای مثال زمانی که نگاره آهو در کنار چهره معشوق قرار می‌گیرد پیامی که به بیننده آشنا با سنت هنری منتقل می‌شود اینست که «چشمان معشوق مثل چشمان آهو زیباست» حال اگر تصویر آهو یا معشوق را حذف و یا تصویر دیگری جایگزین یکی از آنها کنیم پیام نگاره متفاوت خواهد بود. بنابراین همنشینی دو نگاره علاوه بر این که در تعیین پیام کلی تصویر نقش اصلی را دارند هم‌زمان موجب می‌شوند که معنای خاصی را از هر کدام از نگاره‌ها دریافت کنیم؛ به عبارت دیگر ذهن ما ناخودآگاه از میان مفاهیم متعددی که یک نگاره ممکن است داشته باشد متناسب با این رابطه همنشینی یک معنا را برمی‌گزیند.

ب) رابطه جانشینی:

رابطه دیگری که در زبان‌شناسی سوسور مطرح و در تعیین معنای جمله تاثیر می‌گذارد، رابطه جانشینی (paradigmatic relationship) است. سوسور معتقد است: «هر یک از اجزای پیام با دیگر اجزای مقوله دستوری خود می‌توانند به جای همدیگر بیایند و معنی جمله را تغییر دهند. مثلاً ما می‌توانیم اسم دیگری را جایگزین یک اسم در جمله بکنیم. به این رابطه، رابطه جانشینی می‌گویند». (همان: ۶۹) در رابطه اول یعنی همنشینی، واحدهای جمله و واژگان مکمل معنایی همدیگرند در حالی که در رابطه دوم جایگزین هم هستند. همان‌طور که در رابطه همنشینی بیان کردیم نگاره‌ها معنای یکدیگر و سرانجام پیام کلی تصویر را تکمیل و تحدید می‌کنند. حال اگر یک نگاره دیگر، خارج از این تصویر را جایگزین یکی از نگاره‌ها

کنیم در معنا و پیام تصویر بی‌شک تاثیرگذار خواهد بود. برای مثال اگر به جای تصویر آهو تصویر یک گل را در کنار چهره‌ی معشوق قرار دهیم پیام تصویر این خواهد بود که «چهره‌ی معشوق زیباست» این تغییر معنا نتیجه‌ی تغییر نگاره‌ها در محور جایگزینی است. نکته‌ای که در این جا لازم است به آن اشاره کنیم این است که گاه یک نگاره بر روی یک شیء و یا یک بنا به تنهایی به کار می‌رود. در این صورت با توجه به معانی متعددی که یک نگاره می‌تواند داشته باشد، این سؤال مطرح می‌شود که چه عامل و یا عواملی تعیین‌کننده‌ی پیام خاص آن نگاره است؟ در اینجا از اصطلاح تخصصی که در زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی به کار می‌رود یعنی بافت موقعیت^۱ (Context of situation) استفاده می‌کنیم. «هر متنی در بافت متنهای دیگر و شرایط زمانی و مکانی خاصی به کار می‌رود. کارکرد هر متن نه تنها بر اساس سازه‌ها و روابط درونی آن بلکه بر اساس روابط میان آن متن با بافت‌های در برگیرنده‌اش و متون دیگر مشخص می‌شود». (ساسانی، ۱۳۸۹: ۱۸۹/۱) این قاعده را می‌توان در مورد نگاره‌ها نیز گسترش داد به این صورت که تنها روابط نگاره‌های همنشین تعیین‌کننده‌ی معنا نیست بلکه بافت موقعیتی که نگاره بر روی آن قرار دارد اعم از مکان (شیء، بنا، وسیله و...) و زمان نیز می‌تواند بر روی معنای نگاره مؤثر باشد. این موارد علاوه بر بافت فرهنگی و تأثیر بینامتنیتی است که آن هم بر روی فهم ما از متن خاص تاثیرگذار است. در مورد نگاره‌ها نیز این بافت موقعیت مؤثر است. به ویژه زمانی که تک نگاره‌ای بر روی شیء و یا بنایی نقش بسته است و نگاره دیگری در کنار آن نیست تا در دریافت پیام به ما کمک کند. در این حالت بافت موقعیت یعنی زمان، مکان و یا حتی بافت فیزیکی که نگاره در آن قرار دارد مثل وسیله‌ای که آن نقش بر روی آن قرار گرفته است به ما کمک می‌کند تا معنا و مفهوم خاصی از آن تصویر برداشت کنیم. اهمیت در نظر گرفتن این دو رابطه‌ی همنشینی و جانشینی در درک مفهوم نگاره‌ها، زمانی نمایان می‌شود که با مصادیقی روبرو

۶۶ فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)

می‌شویم که نماد معانی تقابلی دوگانه دارد. برای مثال مار هم نماد سازندگی است و هم نابودکنندگی، هم حیات و جاودانگی و هم مرگ، هم شفادهنده است و هم کشنده. آنچه معنا یا معانی حضور مار را در یک نگاره تعیین می‌کند، نگاره یا نگاره‌هایی است که در کنار آن قرار می‌گیرند (رابطه همنشینی) و یا بافت موقعیت و بافت فرهنگی که آن نگاره در آن واقع شده است.

درباره پیشینه این پژوهش، مقاله‌هایی درباره دلالت‌های معنایی عناصر طبیعت در آثار هنری نوشته شده است، از آن جمله مقاله حسین عابد دوست و زیبا کاظم پور با عنوان «تداوم حیات نماد کوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نمود آن بر فرش‌های معاصر ایرانی» که در آن به ارتباط میان درختان از جمله درخت سرو با سنگ و کوه در نقوش فرش ایرانی می‌پردازد و مفهوم برکت و باروری و تجدید حیات را تداعی می‌کند و یادآور درخت زندگی در اسطوره‌هاست. نازنین کوهزاد در مقاله «تقدس نقش سرو در هنر ایرانیان» به دلایل قدسی بودن این درخت نزد ایرانیان می‌پردازد و به نقش نمادین سرو در معنای آزادی، آزادگی، سایه‌گستری، جوانی و... تاثیر آن بر عقاید و آثار ایرانی می‌پردازد. همچنین مقاله «مطالعه تطبیقی تجلی نمادین سرو در ادبیات و نگارگری ایرانی» که از روش نشانه‌شناسی بینامتنی استفاده کرده است. تفاوت این پژوهش با تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است جامعیت بیشتر آن و نیز توجه به دلالت‌های همنشینی و جانشینی و نیز بافت موقعیت است. در حقیقت نوآوری اصلی این مقاله در رویکرد نظری زبان‌شناسانه به نگاره‌هاست که می‌توان از آن در بررسی دلالت‌های معنایی سایر نگاره‌ها بهره برد. ضمن اینکه گستره معانی و مفاهیم ارائه شده برای سرو در مقایسه با مقالات مشابه بیشتر است.

۳. بحث و تحلیل

۱. دلالت‌های سرو در روابط همنشینی

۱-۱ نگاره سرو همنشین خورشید

ارتباط سرو و خورشید از جذاب‌ترین و عمیق‌ترین مباحث موجود در نمادپردازی آن، هم در متون اساطیری و هم در متون عرفانی است. از آنجاکه خورشید نماد بزرگ حیات دوباره و جاودانگی است و سرو نیز چنانکه بیان شد نماد دوام و نامیرایی است، مقارنه سرو و خورشید از کهن‌ترین الگوهای آغازین اساطیری است. درخت سرو و کاج در پیوند با آیین میترا و خورشید هستند (رضایی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲) بر روی یادمان‌های مربوط به میترا (مهر) هفت سرو دلالت بر هفت سیاره دارد که روح در سفر خود به سوی آسمان‌ها از آنها می‌گذرد. (هال، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۹۳) ارتباط سرو و خورشید در اساطیر و متون تمثیلی عرفانی نیز مشهود است. درخت «هرویسپ تخمک» به معنی بلندترین درخت تخم‌دار در بندهشن، آشیان سیمرغ است. در اوستا آشیان سیمرغ بر روی درخت ویسپوبیش است و در روایات اسلامی و حکایات تمثیلی عرفانی از جمله عقل سرخ سهروردی آشیان سیمرغ بر روی درخت طوبی قرار دارد. (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۲۴) از سویی در سانسکریت «هرو» همان درخت سرو است و از سویی دیگر سیمرغ در داستان‌های رمزی نماد خورشید در عالم مثال است. به این ترتیب ارتباط خورشید و سرو در اشعار و نگاره‌ها معنایی تازه پیدا می‌کند. در نگاره‌ها این مفاهیم اسطوره‌ای را می‌توان به اشکال گوناگون ملاحظه نمود. برای مثال در معماری بناهای اسلامی مقارنه شمس و سرو را در گنبدخانه‌ها می‌توان با این مفهوم اسطوره‌ای و عرفانی پیوند داد. (تصویر ۱ و ۲ و ۳)



تصویر ۱ و ۲ و ۳: نگاره سرو و خورشید در معماری (لبانی - آرشیو عکس شخصی).

۶۸ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)

همچنین در علم عزاداری همنشینی سرو و پرنده اسطوره‌ای را می‌توان به داستان سیمرغ و سرو نسبت داد (تصویر ۸). این پرنده چنان‌که در تصاویر آمده است گاه به شکل بلبل است که مثل قمری در ادبیات فارسی بر سرو آشیان دارد و گاه طاووس پرنده بهشتی است. در نمونه‌ای که در تصویر شماره ۹ ملاحظه می‌شود این پرنده همان سیمرغ است. (تصویر ۵ و ۶)



تصویر ۵ و ۶: همنشینی سرو و پرنده در علم‌ها و انواع پرنده‌ها (لبانی - آرشیو عکس شخصی)

۱-۲ نگاره سرو همنشین نگاره انسان

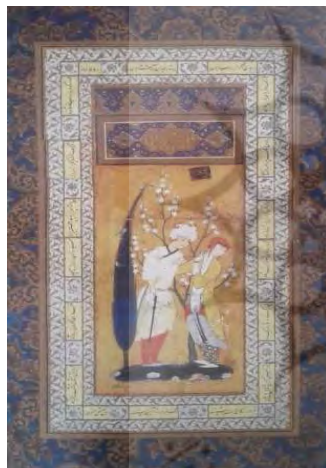
در آثار ادبی و نقوش متعدد مینیاتوری که تنها خلوت عاشق و معشوق ترسیم شده‌اند، سرو تمام قامت در کنار معشوق جلوه می‌کند. دو معنا و مفهوم از این رابطه همنشینی برداشت می‌شود:

الف) بلندی قامت

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی
نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت (نویسنده اول: پارساپور) ۶۹

بیشترین کاربرد سرو در کنار تصویر انسان، در متون و ماجراهای عاشقانه در
توصیف بلندای قامت معشوق است.

ای سرو بلند قامت دوست وه وه که شمایلت چه نیکوست
در پای لطافت تو میراد هر سرو سهی که بر لب جوست (فروغی، ۱۳۲۱: ۱/ ۴۹۹)
در نگاره‌ها نیز پیکره سرو در کنار تصویر معشوق می‌نشیند تا چشم با قیاس این
دو به شباهت آنها از حیث بلندی پی برد. (تصویر ۷ و ۸) در این تصویر به نظر می‌رسد
هنرمند سرو سیاه (درخت ناژو) را به تصویر کشیده است که نماد بلند قامتی است.
(یاحقی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۴۵)



تصویر ۷ و ۸: سرو، تجلی بلندی قامت در مینیاتور (برزین، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۱ و ۳۹)

علاوه بر قامت معشوق، استواری و استقامت عاشق در عشق نیز از جمله معانی‌ای است
که سرو در این تصاویر با خود دارد. از طرف دیگر، در متون عرفانی قامت بلند، نماد
استقامت و توجه به عالم وحدت است. (برتلس، ۱۳۷۶: ۱/ ۲۲۱)

ب) پاک‌دامنی

۷۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)

نکته دیگری که در متون غنایی و عرفانی در معنای سرو نهفته است پاک‌دامنی سرو است که متناسب با نوع متن این ویژگی، معنا پیدا می‌کند. در متنی عاشقانه معمولاً اگر سرو نماد پاک‌دامنی باشد ذکر می‌شود.

رو ای صبا و به آن سرو پاک‌دامن گو
که از برای تو کشتند بی‌گناهی را
(محشم کاشانی، ۱۳۶۷: ۴۵)

چون سرو پاک‌دامن خواهم هزار دست
تا از درون غنچه گریبان دل درم
(سیدحسین غزنوی، ۱۳۹۷: ۱/ ۱۱۵)

همچنین در نگارگری‌ها اگر سرو در کنار شخصیتی نشسته قرار گیرد می‌تواند بیانگر پاک‌دامنی او باشد.



تصویر ۹: سرو، تجسم پاک‌دامنی در ظروف چینی (فتوحی، ۱۳۸۹)

در تصویر (۹) نگاره سرو در کنار دامن عاشق و معشوق که نشسته‌اند قرار گرفته است و تداعی‌کننده پاکی آنهاست. صفت پاک‌دامنی در مورد سرو به این دلیل است که شاخه‌های فرودین سرو را مدام می‌چینند تا سرو بلندتر و موزون‌تر شود، اما گویی دامن او را کوتاه می‌کنند تا آلوده نشود. از این رو گفته می‌شود که سرو پاک‌دامن است. در نگاره‌ها نیز ملاحظه می‌شود که هیچ‌گاه شاخه‌های فرودین سرو بر روی زمین کشیده نمی‌شود و سرو همیشه پیراسته است. در متن و یا زمینه عارفانه این ویژگی سرو به معنای دامن از تعلقات برچیدن و عدم وابستگی است که صفت آزادگی را با نام سرو آزاد متناسب می‌سازد. در عین حال رهی معیری در شعر خود علاوه بر تاکید بر ویژگی

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت (نویسندهٔ اول: پارساپور) ۷۱

آزادگی سرو، در قالب تشبیه تفضیل به ویژگی دیگر سرو که پای در گل بودن و به تعبیر او وابستگی و دلبستگی اوست اشاره دارد:
ای سرو پای بسته به آزادگی مناز آزاده، من که از همه عالم بریده‌ام

۱-۳. نگاره سرو همنشین کوه

کوه و سرو هر دو نماد بلندی هستند. کوه‌ها در جهان باستان جایگاه خدایان بودند و زمین را به آسمان پیوند می‌دادند. (هال، ۱۳۸۰: ۱/۲۱۶) سرو نیز سرشتی مینوی دارد و با خورشید در ارتباط است. ملازمت و همنشینی کوه و سرو در بسیاری از نگاره‌ها به چشم می‌خورد. در تصویرهای مینیاتوری و نقاشی‌ها قامت بلند سرو و کوه گاه، کادر مشخص شده را می‌شکافد و رو به آسمان اوج می‌گیرد. (تصویر ۱۰ و ۱۱)



تصویر ۱۰ و ۱۱: سرو در مینیاتورها (برزین، ۱۳۷۹: ۱/۱۱۰ و ۹۵)

در متون تمثیلی عرفانی از جمله عقل سرخ یازده کوه قاف وجود دارد که نُه فلک، فلک زمهریر و فلک اثیر را شامل می‌شوند. درخت طوبی در کنار خورشید در کوه (فلک) چهارم و در بهشت است و بهشت نیز به قول طبری در آسمان چهارم قرار دارد.

۷۲ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)

در نگاره‌ها می‌توان سرو و کوه خورشید را در یک‌جا مشاهده نمود. (تصویر ۱۲ و ۱۳). شکسته شدن کادر در بعضی نگاره‌ها و خروج این سه بیانگر این امر است که این سه نماد به عالمی دیگر تعلق دارند.



تصویر ۱۲ و ۱۳: سرو، کوه در موزائیک‌کاری (فتوحی، ۱۳۸۹)

۴-۱. نگاره سرو هم‌نشین حیوانات

در بسیاری از نگاره‌ها در زیر سرو حیوانات مختلفی از جمله سباع و چارپایان و ماهی‌ها و پرندگان را ملاحظه می‌کنیم که در کنار هم قرار گرفته‌اند. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴: تجلی حیوانات در کنار سرو در کارهای سفال (خلیلی، ۱۳۸۰: ۲۱۷/۱)

ارتباط این حیوانات با سرو را می‌توان به ماجرای سرو کاشمر (کاشمر) مرتبط دانست که مردم آن را اعجاز زردشت می‌دانستند و از اطراف و اکناف به زیارت آن می‌آمدند. ایرانیان باستان و پارسیان زردشتی معتقد بودند زردشت پیامبر آن را از بهشت آورده است و در مقابل در آتشکده کاشته است. (رنگچی، ۱۳۸۹: ۲۱۰/۱) این درخت شگفت‌انگیز کاشمر که سرشتی مینوی دارد تا آنجا تناور شد که بنابر روایات در سایه آن بیش از ده‌هزار گوسفند آرام می‌یافتند و وقتی گوسفند و آدمی نبود وحوش و سباع در سایه آن می‌آسودند. مرغان بی‌شماری نیز بر شاخه‌های آن مأوا داشتند. (یاحقی، ۱۳۶۹: ۲۴۸/۱) ازین‌رو همنشینی سرو با این مجموعه نامتجانس حیوانات دلالت بر پناهگاهی امن دارد که در آن گرگ و میش از یک آب‌خور می‌نوشند. در تصاویر نمایش داده شده از ظرف و قالی می‌توان تجمع حیوانات گوناگون را ملاحظه نمود. (تصویر ۱۵ و ۱۶ و ۱۷)



تصویر ۱۵ و ۱۶ و ۱۷: قرارگیری حیوانات در کنار سرو (فتوحی، ۱۳۸۹)

۷۴ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطهٔ جانیشینی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسندهٔ اول: پارساپور)

در نگاره‌های متعددی که بر روی فرش، ظروف، بناها و کتاب‌ها باقی مانده است ملاحظه می‌کنیم که دو سرو در کنار هم قرار دارند که گاهی این دو سرو به شکل دو بته جقه، در آغوش هم و در کنار هم ترسیم می‌شوند. این سوال مطرح می‌شود که چرا دو سرو؟ در سنت مزدیسنان هست که زردشت دو شاخهٔ سرو از بهشت آورد و با دست خود یکی را در قریهٔ کشمر (کاشمر) و دیگری را در دیه فریومد (فارمد، فرومد) کاشت.

(یاحقی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۴۸) این دو سرو خود را در نگاره‌ها در کنار هم نشان می‌دهند. لازم به یادآوری است که گاه دو شاخهٔ سرو را در نگارگری‌ها بر روی یک پایه مشاهده می‌کنیم که باید گفت یک سرو است منتهی از نوع سرو سهی. در مشخصات سرو سهی گفته شده است که سرو سهی سروی است که دو شاخه اش راست باشد. (تصویر ۱۸) نقش بته جقه دوتایی که پایه آن یکی است و دو سر دارد می‌تواند بر این نوع سرو دلالت کند که نمونهٔ آن را می‌توان در نگارگری‌ها و نقوش قلم‌زنی مانند درب‌های حرم‌ها مشاهده کرد و دلالت بر تقدس و تعلق به عالم دیگر دارد. (تصویر ۱۹ و ۲۰)



تصویر ۱۸: سرو دو شاخه بر روی یک پایه (برزین، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۱ و ۳۹)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطهٔ جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت (نویسندهٔ اول: پارساپور)

۷۵



تصویر ۱۹ و ۲۰: بته‌جقه دوتایی، در حرم امامین جوادین (لبانی - آرشیو عکس شخصی)

۶-۱ نگارهٔ سرو همنشین درختان دیگر

چند درختی که در نگاره‌ها بسیار مشاهده می‌شوند عبارتند از درخت سرو، درخت چنار، درخت نخل و درخت شکوفه که متناسب با زمینه و فضایی که ترسیم می‌کنند این درختان در کنار هم قرار می‌گیرند. این موضوع در موارد مختلف و با شکل‌های گوناگون تجلی پیدا کرده است که نمونه‌های آن را می‌توان در نقوش بر روی پارچه‌ها و فرش‌ها و ظروف شیشه‌ای و... مشاهده کرد. (تصویر ۲۱ و ۲۲)



تصویر ۲۱: همنشینی سرو در کنار نخل (برزین، ۱۳۷۹: ۱/۲۴)

۷۶ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)



تصویر ۲۲: همنشینی سرو در کنار دیگر گیاهان (خلیلی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۹۱)

در این میان گاه درخت سرو به شکل بته‌جقه ترسیم می‌شود. نقش بته‌جقه نقشی است که بر شال‌های ترمه و قلم‌کاری‌های اصفهان دیده می‌شود که به شکل سروی است که نوک آن بر اثر وزش باد خم شده باشد. (یاحقی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۴۶) سرو بودن این نقش را زمانی درمی‌یابیم که تصویر آن را در کنار سایر درختان مشاهده کنیم. در تصویر زیر از یک فرش ملاحظه می‌کنیم که در کنار درختانی چون بید و سیب، سرو به شکل بته‌جقه نمایش داده شده است. (تصویر ۲۲ و ۲۳ و ۲۴) به نظر می‌رسد این همنشینی دلالت بر سرسبزی و آبادانی دارد و نقش را مفرح و شادی‌بخش می‌سازد.

پروژه‌ی نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۲۲ و ۲۳ و ۲۴: تصویر سرو در کاشی‌کاری
(فتوحی، ۱۳۸۹ و لبانی - آرشیو عکس شخصی)

۲- نقش جانشینی در بافت‌های موقعیتی و فرهنگی

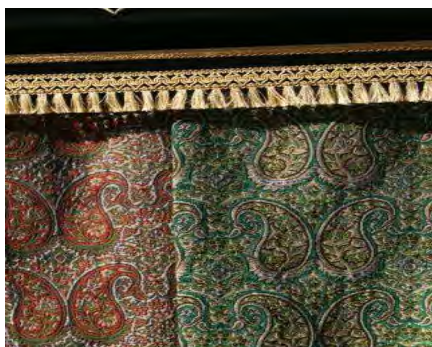
همان‌طور که پیش از این بیان کردیم نقش جانشینی نگاره سرو را زمانی در نظر می‌گیریم که این نگاره به تنهایی به کار رفته شود. در این صورت این سوال مطرح می‌شود که با توجه به مفاهیم گوناگونی که نگاره سرو با خود دارد و با توجه به اینکه هیچ نگاره دیگری همنشین آن نشده است تا ما بتوانیم با استفاده از رابطه همنشینی به مفهوم مورد نظر پی ببریم، فهم مخاطب از این تک‌نگاره چگونه شکل می‌گیرد؟ باید گفت آنچه در این مورد به کمک مخاطب می‌آید بافت موقعیت و بافت فرهنگی است. برای مثال تصویر سرو بر روی یک سنگ قبر بی‌آنکه نگاره دیگری در کنار آن باشد متناسب با بافت موقعیت و بافت فرهنگی مفهوم جاودانگی را به ذهن منتقل می‌کند، چنانکه گویی صاحب آن گور بعد از پاییز و خزان عمر همچنان سبز خواهد ماند. در این وضعیت نگاره سرو جایگزین واژه و مفهوم جاودانگی شده است. به همین ترتیب می‌توان در همین بافت و موقعیت هر نگاره دیگری مثل مار که مفهوم جاودانگی را در آن فرهنگ با خود دارد جایگزین نقش سرو کنیم، درست مثل اسمی که جانشین اسم دیگر در زبان می‌شود. با بررسی ده‌ها نمونه از نقوش و تصاویر در این

پژوهش توانستیم مفاهیمی که نگاره سرو به تنهایی جانشین آنها در بافت و موقعیت خاص می‌شود جمع‌آوری و در ادامه بیان کنیم.

۱-۲. نگاره سرو جانشین مفهوم سوگواری و اندوه

نگاره سرو در فرهنگ‌های مختلف به نوعی با سوگ و مرگ و شهادت مرتبط است. سرو در اساطیر یونان نشانه سوگواری و اندوه از دست دادن یار است. سرو درختی است که یونانیان به خدای دوزخی خود هدیه می‌کردند. رومیان در آیین مذهبی پلوتون بر این علامت تاکید می‌ورزیدند و مفهوم سوگواری را که هنوز باقی است به درخت سرو نسبت داده‌بودند. (سرلو، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۷۸) بر طبق افسانه‌ها درخت سرو از داغ جوانی رشد کرد که گوزن خانگی متعلق به آپولو او را به اشتباه کشت. جوان خود را بر روی زمین انداخت و پیکر او به سروی تبدیل شد. این درخت نماد فداکاری و نیز جهان مردگان و خدای عالم اموات قلمداد می‌شود. در مسیحیت نیز سرو نماد مرگ است و در تفسیری دیگر سرو نماد جانی برای تمنای بهشت است. سرو متراکم و باریک ایتالیایی، درخت گورستان است زیرا به آسمان‌ها و انوار الهی مرتبط است. برگ‌های همیشه‌سبز آن نمادی از رستاخیز است. همین‌طور در یزد زردشتیان هنوز بر بالای گور مردگان یک نهال سرو می‌کارند. در فرهنگ ایرانیان نیز سرو نماد شهادت است و بهترین مصداق آن را می‌توان بر روی علم‌هایی که برای سوگواری سالار شهیدان حمل می‌کنند مشاهده نمود. همچنین نوعی از سرو به نام سروناز است و برخلاف سرو آزاد که قامتش راست است، این نوع سرو شاخه‌هایش متمایل است و به نظر می‌رسد بته‌جقه نقشی از این سرو را تداعی می‌کند. این نقش بر روی علم‌های عزاداری در کنار سروهای فلزی‌ای که مدام خم‌وراست می‌شوند پارچه‌های ترمه با نقوش بته‌جقه حضور خمیده قامت سرو را در مراسم سوگ دو چندان می‌سازند. (تصویر ۲۷)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی
نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت (نویسندهٔ اول: پارساپور) ۷۹



تصویر ۲۵ و ۲۶: علم عزاداری سیدالشهدا (لبانی - آرشو عکس شخصی)
نخل‌های عزاداری در شهرهایی چون یزد که در مراسم سوگواری سیدالشهدا بر
سر دست‌ها حمل می‌شود نیز، طرح سرو را تداعی می‌کند. (تصویر ۲۷)



تصویر ۲۷: نخل عزاداری سیدالشهدا در یزد (فتوحی، ۱۳۸۹)

۲-۲. نگاره سرو جانشین مفهوم جاودانگی

هم‌زمان با مفهوم سوگواری و مرگ، درخت سرو رمز جاودانگی و نامیرایی نیز
هست و در میان درختان از وجهه اساطیری قدرتمندی برخوردار است. قوم سلت

۸۰ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانیشینی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده‌ی اول: پارساپور)

(celte) این درخت را نماد مرگ و گذر عمر و نشانه‌ی لحظه‌ی مرگ انسان می‌دانند و به اعتقاد آنان چون زندگی انسان در نبات تداوم می‌یابد، اموات باید در میان درختی که میان آن تهی است مدفون گردند. چینیان نیز درباره‌ی آن می‌گویند روان این درخت سخن گو است و فرورفته‌ترین ریشه‌ی آن هزار سال قدمت دارد و مایه‌ی طول عمر آدمی است. از قدیم چوب و درخت سرو را فناپذیر و جاودانی تصور می‌کرده‌اند و در ساختن مجسمه‌ها و کشتی‌ها و گردونه‌ها مورد استفاده بوده است. مثلاً کشتی نوح مطابق تورات از چوب سدر یا سرو است. (یا حقی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۴۵)

ارتباط قدسی سرو با مرگ و جاودانگی در شعر حافظ نمایان شده است:

به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید که می‌رویم به داغ بلند بالایی

(حافظ، ۱۳۲۰: ۱/ ۳۵۰)

تصاویری از سرو را می‌توان بر روی سنگ قبرها ملاحظه نمود که هم نماد مرگ و سوگ مردگان است و هم می‌تواند امید به جاودانگی را همواره برای بازماندگانش زنده و سبز نگه دارد. (تصویر ۲۹ و ۳۰)



تصویر ۲۹ و ۳۰: نقش سرو بر روی سنگ قبر (فتوحی، ۱۳۸۹)

۳-۲. نگاره سرو جانشین مفهوم قداست

مطابق روایات ایرانی، زردشت این درخت را از بهشت آورد و در پیش درب آتشکده کاشت. «بعضی از کارشناسان نقش سرو را به شعله و نمادی از آتشکده زرتشتیان، میوه درخت کاج و یا پرندۀ مهر تشبیه کرده‌اند». (یساولی، ۱۳۷۵: ۱۰۳/۱) درب معبد دیانا نیز از چوب سرو بوده است. همان‌طور که عرض شد چوب درخت و خود سرو مظهر دوام و پایداری هستند. استفاده از چوب سرو و یا تصویر آن بر روی در مکان‌های مقدس می‌تواند به نوعی مفهوم جاودانگی و دوام را با خود داشته باشد. لازم به ذکر است در جهان‌بینی اسطوره‌ای تصویر یک موجود دقیقاً خاصیت همان موجود را دارد یعنی اینکه تفاوتی نمی‌کند که دری با چوب درخت سرو ساخته شود یا اینکه تصویر سرو بر روی آن نقش بسته باشد. به عنوان مثال تصویر منبت‌کاری شده سرو را بر روی درب‌های ورودی زیارتگاه‌ها ملاحظه می‌کنیم. (تصویر ۳۱) در این تصویر طرحی از سرو را که در گلدان نشسته است می‌بینیم که شباهت خاصی با تصویری که بر روی سنگ مزار کنده‌کاری شده است دارد. (با تصویر ۲۹ مقایسه شود)



تصویر ۳۱: نقش سرو بر روی درب حرم مطهر امیرالمؤمنین
(لبانی - آرشیو عکس شخصی)

۸۲ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، هم‌نشینی و بافت موقعیت، (نویسنده‌ی اول: پارساپور)

استفاده از نماد سرو به تناسب موقعیت آنها در معماری مساجد و بناهای مهم تاریخی بسیاری مشهود است. از نقش قالی و تصویر آن بر روی مهر نماز و سجاده و رحل قرآن گرفته تا سروهای منقوش بر کاشی‌ها و گچ‌بری‌ها در سقف و دیوارها. (تصویر ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶)



تصویر ۳۲ و ۳۳ و ۳۴: نقش سرو بر روی رحل قرآن، سجاده و گچ‌بری سقف (فتوحی، ۱۳۸۹)



تصویر ۳۵ و ۳۶: نقش سرو بر روی مهر و کاشی‌کاری (فتوحی، ۱۳۸۹)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی
نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت (نویسندهٔ اول: پارساپور) ۸۳

قرار گرفتن سرو در دو طرف محراب‌ها در مساجد نیز به وجه قداست سرو باز می
گردد و روح معنویت را در کالبد بنای مساجد می‌دمد. (تصویر ۳۷ و ۳۸)



تصویر ۳۷ و ۳۸: نقش سرو بر روی محراب‌ها (لبانی - آرشیو عکس شخصی)
در این میان حضور درخت سرو در محوطه بیرون مساجد و در کنار ایوان‌ها به
موازات مناره‌ها بر شکوه و استواری و بلندای قامت مناره‌ها می‌افزاید و علاوه بر نقش
جانشینی و مفهوم قداست، نقش همنشینی را در کنار بلندای مناره‌ها ایفا می‌کند و
مفهوم استواری و عظمت را بر چشم نمازگزاران می‌نشانند. (تصویر ۳۹)



تصویر ۳۹: قرارگیری سرو در فضای باز مساجد و هم‌خوانی با مناره‌ها
(لبانی - آرشیو عکس شخصی)

۸۴ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)

همین دو نقش را سرو در بنای تاریخی تخت جمشید ایفا می‌کند. از سویی مفهوم قداست را در مکانی تشریفاتی و عرفانی جهت برگزاری مراسم‌های آیینی با خود دارد و از سوی دیگر در همنشینی با قامت نگهبان مفهوم بلدی و استقامت را به ذهن متبادر می‌کند. (تصویر ۴۰)



تصویر ۴۰: قرارگیری انسان و سرو در کنار هم در تخت جمشید (فتوحی، ۱۳۸۹)

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی مفاهیمی که نقش سرو در نگاره‌ها در دو شکل رابطه همنشینی و جانشینی بر ذهن می‌نشانند و مقایسه آن با نقش سرو در متون ادبی نشان می‌دهد که این درخت کهن تنها با هدف خلق زیبایی و صحنه آرایی در آثار هنری و ادبی حضور ندارد، بلکه متناسب با سایر نقوش و پدیده‌ها و نیز زمینه و موقعیت مکانی و زمانی در شکل‌دهی به پیام و معنا و مفهوم آن اثر ادبی و هنری عمق نقش دارد. مطابق توضیحاتی که درباره مصادیق رابطه همنشینی بیان شد می‌توان چند نکته را نتیجه گرفت. نخست اینکه نگاره‌ها درست مثل کلمات در همنشینی با هم نقش مکمل معنایی دارند. از این‌رو با تغییر نگاره همنشین ممکن است در مفهوم نگاره سرو تغییر ایجاد شود، مثل تفاوتی که در معنای سرو، هنگامی که در کنار انسان ایستاده

یا انسان نشست‌ه مشاهده می‌شود. اگر نگاره همنشین دارای مفهومی یکسان با جانشین خود باشد، معنا و مفهوم سرو تغییر نمی‌کند. برای مثال اگر در همنشینی با سرو، سیمرخ جانشین خورشید شود در مفهوم سرو تغییری مشاهده نمی‌کنیم چراکه در متون عرفانی سیمرخ نماد خورشید در عالم مثال است. در مورد رابطه جانشینی نگاره سرو ملاحظه شد که با تغییر زمینه و بافت، چه بافت زمانی و مکانی و چه بافت فرهنگی، دلالت‌های معنایی سرو کاملاً تغییر می‌کند. همه این ویژگی‌ها را می‌توان در رابطه همنشینی و جانشینی که سوسور درباره متن مطرح می‌کند یافت و تجربه کرد. در پایان این پژوهش دو پیشنهاد را که می‌تواند در فهم دلالت‌های معنایی نگاره‌ها مفید باشد ذکر می‌کنیم:

۱. پیشنهاد می‌شود برای درک مفاهیم نمادین نقوش هم‌زمان به متون عرفانی، ادبی، مذهبی و اسطوره‌ای مراجعه شود.
۲. در بررسی معنا و مفهوم نمادین نقوش و پدیده‌های طبیعی در فرهنگ‌ها به دو عامل همنشینی و نیز جانشینی توجه کرد. همین طور بافت موقعیت و زمینه را نیز لحاظ نمود.

پی‌نوشت

^۱ Syntagmatic axis

^۲ Context of situation

کتاب‌نامه

- باقری، مه‌ری (۱۳۷۱)، *مقدمات زبان‌شناسی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- برتلس، یوگنی ادواردویچ (۱۳۷۶)، *تصوف و ادبیات تصوف*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
- برزین، مسعود (۱۳۷۹)، *داستان‌های خمسه نظامی*، تهران: یساولی.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۴)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.

۸۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده‌ی اول: پارساپور)

حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۲۰) *دیوان اشعار*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: چاپخانه مجلس

خلیلی، ناصر (۱۳۸۰)، *گزیده ده جلدی مجموعه هنر اسلامی*، تهران: کارنگ.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۴)، *لغت‌نامه دهخدا*، لوح فشرده، تهران: دانشگاه تهران.

رضایی، رضا (۱۳۸۷)، *آیین زیست در ایران باستان*، پژوهشی درباره‌ی طبیعت و محیط زیست، تهران: جوانه توس

رنگچی، غلامحسین (۱۳۸۹)، *گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی از آغاز تا ابتدای دوره مغول*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹)، *معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: علم

سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۸)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه‌ی مهرانگیز اوحدی، تهران: دستان.

سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۲۱)، *کلیات شیخ سعدی*، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: چاپخانه علمی فرهنگی

سیدحسن غزنوی (۱۳۹۷)، *دیوان سید حسن غزنوی*. مقدمه تصحیح و تعلیقات. تهران: مجلس شورای اسلامی.

معین، محمد (۱۳۶۳)، *مزدیسنا و ادب فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.

هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه‌ی رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران: سروش.

یساولی، جواد (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران*، تهران: فرهنگسرا.

<http://www.ehow.com/about-cypress-tree-symbolism>

<http://www.savepasargad.com>

References

- Baqeri, Mehri. 1992. *Muqaddamat-i Zabanshinasi [An Introduction to Linguistics]*. Tabriz: Tabriz University Publications. [in Farsi]
- Barzin, Mas'ud. 2000. *Dastan-ha-yi Khamsi-yi Nizami [Tales of Quintet of Nizami]*. Tehran: Yasaveli Publications. [in Farsi]

- Bertels, Evgenii Eduardovich. 1997. *Sufism and Sufi Literature*. Translated by Sirius Izadi. Tehran: Amirkabir Publications. [in Farsi]
- Cilrot, Juan Eduardo. 2009. *A Dictionary of Symbols*. Translated by Mehrangiz Awhadi. Tehran: Dastan Publications. [in Farsi]
- Dehkhoda. n.d. Lawh-i Fishurdi-yi *Lughatnami-yi Dehakhuda* [A Compact Disc of *Dehkoda Persian to Persian Dictionary*]. Tehran: Tehran University Publications. [in farsi]
- Ghaznavi, Seyyed Hassan. 2018. *Divan-i Seyyed Hassan Ghaznavi; Mughaddami, Tashih va Ta'liqat* [Divan of Seyyed Hassan Ghaznavi with an Introduction, Corrections, and Annotations]. Tehran: Iranian Parliament.
- Hafiz. 1941. *Divan-i Ash'ar* [Divan of Hafiz Poetry]. By the efforts of Mohammad Qazvini and Qasem Ghani. Tehran: Iran Parliament Print House. [in Farsi]
- Hall, James. 2001. *Dictionary of Subjects and Symbols*. Translated by Roqayyeh Behzadi. Tehran: Farhang-e Mo'aser Publications. [in Farsi]
- <http://www.savepasargad.com>
- Khalili, Naser. 2001. *Guzidi-yi Dahjildi-yi Majmu'i Hunar-i Islami* [A Ten-Volume Selected Collection of Islamic Art]. Tehran: Karang Publications. [in Farsi]
- Mo'in, Mohammad. 1984. *Mazdayasna va Adab-i Farsi* [Zoroastrianism and Persian Literature]. Tehran: Tehran University Publications. [in Farsi]
- Pournamdarian, Taqi. 1985. *Rmz va Dastanhaye Ramzi dar Adab-Farsi* [Mystery and Mysterious Stories in Persian Literature]. Tehran: Elmi va Farhangi Publication.
- Rangchi, Gholamhossein. 2010. *Gul-u Giyah dar Adabiyat-i Manzum-i Farsi az Aghaz ta Ibtida-yi Dawri-yi Mughul* [Flowers and Greenery in Persian Poetry from the Beginning to the Beginning of the Mongolian Era]. Tehran: Research Center for Human Sciences and Cultural Studies. [in Farsi]
- Rezaei, Reza. 2008. *Ayin-i Zist dar Iran-i Bastan; Pazhuhish-i darbari-yi Tabi'at va Muhit-i Zist* [The Manner of Life in Ancient Persia: A Study of Nature and Environment]. Tehran: Javane-ye Tus Publications. [in Farsi]

۸۸ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دلالت‌های معنایی نگاره سرو
مبتنی بر رابطه‌ی جانمایی، همنشینی و بافت موقعیت، (نویسنده اول: پارساپور)

Sa'di. 1942. *Kulliyat-i Sa'di [Complete Works of Sa'di]*. Edited by Mohammad Ali Forughi. Tehran: Ilmi Farhangi Print House. [in Farsi]
Sasani, Farhad. 2010. *Ma'nakavi: Bi Su-yi Nishanishinasi-yi Ijtima'i [Semanalysis: Towards A Social Semiology]*. Tehran: Elm Publications. [in Farsi]

Yahaghi, Mohammad Ja'far. 1990. *Farhang-i Asatir va Isharat-i Dastani dar Hunar-i Sharq-u Gharb [Dictionary of Myths and Fictional Significations in Eastern and Western Arts]*. Tehran: Surosh Publications. [in Farsi]

Yasaveli, Javad. 1996. *Muqaddami-i bar Shinakht-i Qali-yi Iran [Persian Carpet: An Introduction]*. Tehran Farhangsara Publications. [in Farsi]

<http://www.ehow.com/about-cypress-tree-symbolism>

